

در پشت همه حوادث خطرناک اخیر دست امپریالیسم امریکا دیده می شود

که مترسکهای مصنوعی علم میشود، تا شعار اصلی گم شود و پایگاههای داخلی امپریالیسم آمریکا و عمال ضدانقلابی که در درون عمل میکنند و در درجه اول سرمایه داران کلان و بزرگ مالکان فراموش شوند.

چه کسی در ادامه این وضع سود دارد؟ آمریکا، ضدانقلاب! چه کسی از این حوادث بهره گیری میکند و در ایجاد آنها نفع دارد؟ آمریکا، ضدانقلاب! وقوع این حوادث پشت سرهم، در این روزهای سرنوشت ساز، پشت نگران کننده است. حوادث هفته های اخیر خطرناپودی انقلاب را در بر دارد. ساواکیها وضد - انقلاب فعال ایجاد کننده و گرداننده و آتش بیازان آن هستند و دارند بخشی از توطئه هفتم را اجرا میکنند. اینست آن حلقه اصلی حوادث اخیر.

هشیارباشیم که آمریکاهمچنان خطر جدی و فوری و واقعی است و باشکلهای تازه و حادثه آفرینی - های تازه و بهانه های تازه بیدان آمده است. هیاهو پیرامون «خطر کمونیسم» و ترساندن از حزب توده ایران - شکردهی که در آستانه کودتای ۲۸ مردادین بکار بردند تنها پسرده دودی است برای اجرای توطئه های ضدانقلابی و پوشاندن خطر واقعی آمریکا.

جو تشنج و برخورد های دائمی، جو تحریکات مداوم و زدو خورد - های خونین بهترین و مناسب ترین محیط را برای آمریکا، این دشمن اصلی ما، این دشمن خونی انقلاب ما، این دشمن آشتی ناپذیر ما، فراهم میکند. هرکس در ساختن و پرداختن این جوهرکت داشته باشد، پسر بهانه و زیرهر نامی که باشد، بسود دشمن عمل بقیه در صفحه ۲

قاطعیت بخرج داده نمیشود. ارگان های مسئول نه قانون انقلاب را رعایت میکنند و آزادیهای مصرحه را برسمیت میشناسند و نه جلوی حرکات آشکارا مضر بحال انقلاب را، که تشنج آفرینی و زد و خورد و جوسازی نتیجه آست، میگیرند. ساواکیها، غارتگران، دارودسته های دستیار آمریکا، اعم از طاغوتی و مائوئیستی و لیبرال، عمدا کار را دارند به سوی تشدید جونا سالم و تشنج میکشاند، تا هرچه بیشتر زد و خورد روی دهد، عصبانیت و خشم و درگیری شدیدتر شود، دقاتر ویران و بساطها پراکنده، جانها خسته و پیکرها مجروح شود و احتمالا خون بریزد. با این حال مقامات مسئول و ارگانهای حافظ قانون و حافظ میهن انقلابی ما، درجهت لازم، که حفظ محیط نظم انقلابی و قانونیت انقلابی است، عمل نمی کنند.

در شرایط حساسه مابله نظامی با دشمن تجاوزکار و تشدید توطئه های آمریکا برای برانداختن نظام انقلابی و ایجاد دولتی «میانرو و معتدل»، که «معتولانه» با آمریکا بمذاکره بنشینند، ما به آرامش، تمرکز قوا، اتحاد نیروها و هشیاری در برابر دشمن نیاز حیاتی داریم. اما در هفته های اخیر، ما شاهدیم که تشنج پشت تشنج در میگیرد و درگیری پشت درگیری روی میدهد. ما شاهد کوششهای فراوانی هستیم که انجام میشود، تا فریادها بر سر عمده ترین دشمن انقلاب ما کشیده نشود، تا انظار متوجه جنگ تجاوزکارانه ای که بسود آمریکا در مرزهای جنوب و غرب بیداد میکند، نباشد، تا آمریکا و توطئه هفتم آن با تمام شاخه ها و شکلها و شیوه ها و عمالش از یاد برود. ما شاهدیم

حوادث بسیار مهم و خطرناکی در کشور ما میگذرد، که بسا سرنوشت جزگ ما و با آینده میهن ما ارتباط مستقیم دارد، زیرا کسی است از توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران. در گیلان و مازندران، در تهران و اصفهان، در خراسان و بلوچستان، جزء به جزء، یک نقشه وسیع براندازی دارد پیاده میشود. زدو خورد های خونین و تشنج دائمی وسیله ای شده است برای تضعیف انقلاب و برای انحراف توجه از دشمن اصلی و از توطئه های او.

جامعه انقلابی ما نگران است. نه تنها نگران خود این حوادث، که بخودی خود هم هشداردهنده و عبرت انگیز است، بلکه بویژه نگران آن علل و اسبابی است که اینگونه حوادث را بوجود می آورد و آن عواقب و نتایجی که میتواند در پی داشته باشد. مردم انقلابی ما در درجه اول واقعی این حوادث، نگران دستی میگرداند: دست امپریالیسم آمریکا!

خطر اصلی نیست؟ آیا از جانب شیطان بزرگ دیگر توطئه های براندازی، که خطر مرگ برای انقلاب ما دارد، انجام نمیشود؟ آیا عمال آمریکا در درون و بیرون دیگر عمل نمیکنند و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دیگر تسلیم شده اند و همراه ساواکیها و طاغوتیها و بقایای فاسد گذشته، با نظام انقلابی آشتی کرده اند؟

دوم اینکه، در اینگونه میتینگها، در تهران و سایر شهرستانها، و در تبلیغات تدارکی آنها، بجای شعار اصلی انقلاب، شعارهای انحرافی مطرح و تکرار میشود و جوی بوجود می آید که آن شعار اصلی نگهدارنده شیشه عمر انقلاب ما فراموش شود و با علم کردن «دشمنانی» موهوم، دشمن عمده ما توطئه های متنوعی که برای شکست انقلاب یا مسخ انقلاب انجام میگیرد، از یادها برود.

سوم اینکه، در حفظ قانونیت و آنچه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوشته شده، در احترام به قوانین مصوب ارگانهای انقلابی و اجرای آنها

تشکیل اجتماعات تحریک آمیز و انحرافی، نحوه برگزاری این میتینگها و راه پیمائیه و اجتماعات، برانداختن درگیریها و زدو خورد، چماق کشی و ضرب و جرح و قتل، حفظ نکردن امنیت و نظم و محترم شمردن قانونیت، نقطه گرهی این حوادث است، که در ایجاد و تشدید آنها، ضدانقلاب سازمان یافته، ساواکیها، وابستگان برزیم طاغوت، سرمایه داران عمده و بزرگ مالکان و همچنین لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی نقش دارند. پیرامون این اجتماعات و درگیریهای وابسته به آن، سه نکته جلب نظر میکند:

اول اینکه، اگرچه اغلب این میتینگها نظیر اجتماع ۱۴ اسفند ۵۹ در دانشگاه تهران و میتینگ ۷ اسفند ۵۹ در امجدیه، با شرکت و بدعوت دولتمردان و شخصیت های که از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران و منافع آن سخن میگویند، تشکیل میشود، ولی در آنها از خطر اصلی، که میهن انقلابی ما، موجودیت جمهوری اسلامی و سرنوشت انقلاب ما را تهدید میکند، حرفی زده نمیشود. چرا؟ آیا خطر آمریکا دیگر

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۵
چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۴ جمادی الاول ۱۴۰۱ - بها ۱۵۰ ریال

در صفحات بعد

«شیوه»
انتظامی «یا
لیبرالیسم ناب

صفحه ۳

چاه ویل
مسابقه

تسلیم حاتی

صفحه ۶

صفحه دهقانی

ویژه وظیفه خطیر
انقلابی هیئت های هفت
نفری

صفحه ۵

کارگران
چای سازی خواستار
محیط مناسب کار

هستند

صفحه ۴

بر اساس اطلاعیه ستاد
مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران:

در جبهه های
جنگ چندین

عراقی
به هلاکت

رسیدند

صفحه ۲

تاکی دروغ و افترا!

شرکت نداشته و اعضای آن دستور سازمانی داشته اند که در اینگونه مراسم حضور نداشته باشند. این عدم حضور توده ایها در میتینگهای مزبور نه تنها از سیاست کلی و کاملاً شناخته شده حزب ما ناشی میشود، بلکه تکرار میکنیم در این موارد ما صراحتاً رهنمود سازمانی داشتیم که کسی از ما در امجدیه و بقیه در صفحه ۲

نه، توده ایها نیامده بودند. ما آنجا نبودیم. ادعای اطلاعات دروغ محض است و البته فقط محافل ویژه ای از بیان و انتشار چنین افتراهائی سود می برند، که پای حزب توده ایران را، در آنجا که هیچگونه شرکتهی نداشته، میان بکشند، چه در میتینگ ۷ اسفند امجدیه و چه در سخنرانی ۱۴ اسفند دانشگاه تهران، حزب توده ایران بهیچوجه

باشد - نمیتواند آنرا باور کند. اطلاعات دیرروز نوشته است: «اینرا هم نشود قبول کرد که جریان چریکهای فدائوسی اکثریت و حزب توده (ایران) آنجا نبودند، نه، بوده اند. و این نیز پذیرفتنی نیست که آنها آمده باشند و ساکت نشسته باشند. حداقل اینست که بقول خودشان به افشگری و روشنگری و پخش تراکت و شمار پرداخته باشند».

روزنامه اطلاعات در شماره دیرروز بعد از ظنر خود، طسی سرمقاله ای که زیر عنوان «سخن روز» چاپ میشود، در کمال تاسف و تعجب در گرداب افترازی افتاده و متأسفانه دروغی را در صفحه اول خود نوشته است که هیچکس - باگر جدی بوقایع برخورد کند و کمترین آگاهی از رویدادهای کشور و موضع گیری حزب توده ایران داشته

با پیشنهاد نخست وزیر و موافقت رئیس جمهور، دو وزیر از سه وزیر تعیین شدند، ولی لیبرال ها، دیروز، با خروج از جلسه مجلس، مانع تصویب «طرح قانونی تعیین سرپرستی وزار تخانه های بی وزیر» شدند

صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جهان سوسیالیسم

در جمهوری دمکراتیک: همه چیز در خدمت کودکان و مادران

* در جمهوری دمکراتیک آلمان مادران درازای هر نوزاد ۱۰۰۰ مارک دریافت می کنند.
* ۹۵ درصد کودکان آلمان دمکراتیک به کودکستان میروند.

در جمهوری دمکراتیک آلمان مادران در ازای هر نوزاد ۱۰۰۰ مارک دریافت می کنند. (سی سال پیش تنها برای هر نوزاد سوم ۱۰۰۰ مارک، نوزاد چهارم ۲۵۰ مارک و نوزاد پنجم و بیشتر ۵۰۰ مارک داده میشد.)

Table with 2 columns: Year (1329, 1359) and Percentage (5/3, 60/95)

"قانون مادر، حفاظت از کودک و حقوق زنان"، که پیش از سی سال پیش در جمهوری دمکراتیک آلمان تصویب شد، مقرر میداشت که تا سال ۱۳۳۴، ۱۹۰۰۰۰ کانون جدید مسورت کودکان و مادران تاسیس گردد.

در جهان سرمایه داری

«داریم پیرو می شویم!»

این عین اخبار است که، "انستیتومی آمار پرتغال" جلدی پیش خطاب به پرتغالی ها صادر کرد. شماره نوزادان پرتغالی، که در سال ۱۳۵۴، ۱۸۶۷۱۲ بود، در سال ۱۳۵۷-۱۶۷۴۶۷۵ کاهش یافت.

نمایشگاه عکس بمناسبت دومین سالگرد انقلاب در رشت



ارطرب اعضا و هواداران حزب توده ایران، نمایشگاه عکسی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب شکوهمند ایران در شهرستان رشت برپا شد.

در پشت همه...

بقیه از صفحه ۱
کرده است، خواه آگاهانه خواه نا آگاهانه.

امپریالیسم آمریکا همچون گرگ خونخوار و زخم خورده ای برای انقلاب ما دندان تیز کرده است.

دشمن نه تنها غدار، بلکه مکار است، نه فقط با وابستگان مشهور و آشنایش، بلکه با عمال پنهان و نقابدارش عمل میکند.

دشمن را دست کم نگیریم. آمریکا و متحدانش مارها در آستین و توطئه ها در سر دارند.

ضربه انقلابی را متوجه توطئه های آمریکا کنیم. با نگاههای داخلی آنرا با جرات و شهامت انقلابی برچینیم.

تاکی دروغ...

بقیه از صفحه ۱

دانشگاه حاضر نباشد. در این مراسم، از اعضای حزب توده ایران، تنها خبرنگاران نامه مردم، با کارت مخصوص خود، تعداد آنها از انگشتان یکدست تجاوز نمی کرد.

سیاست و روش اصولی و انقلابی حزب توده ایران کاملاً روشن است. فقط باید مردم را احق تصور کرد.

آیا میدانید که بدنبال افترا زنی و دروغ، پرونده سازی و چماق داری می آید، و همان روشهایی که ۲۵ سال با آن آشنا بوده ایم؟

با پیشنهاد نخست وزیر و موافقت رئیس جمهور، دو وزیر از سه وزیر تعیین شدند، ولی لیبرال ها، دیروز، با خروج از جلسه مجلس، مانع تصویب طرح قانونی تعیین سرپرستی وزارتخانه های بی وزیر شدند

دیروز بعد از سه روزنامه کیهان اطلاع داد که بنا به پیشنهاد نخست وزیر و موافقت رئیس جمهور، آقای دکتر حسین نمازی، بعنوان وزیر اقتصاد و دارائی، و آقای حسین کاظم پور اردبیلی، بعنوان وزیر بازرگانی، تعیین شدند.

ولی دیروز مجلس شورای اسلامی، درست در همین زمینه، باردیگر شاهد اخلاص و کارشکنی لیبرالها بود.

بدینسان ۶ ماه است این امر خطیر، که به نظر ما، رئیس جمهور، دولت و مجلس شورای اسلامی، بدرجات مختلف، درباره آن مسئولیت دارند، حل نشده و بصورت یک گره اساسی درآمده بود.

هفته گذشته دوفوریتی بودن این طرح به تصویب مجلس رسید، اما از آنجا که بعد از ملاقات رئیس جمهوری با رهبر انقلاب از سوئی و ملاقات مسئولان درجه اول با یکدیگر در خانه دادستان کل کشور از سوی دیگر، اعلام شد که مسئله سه وزیر حل شده است.

در پایان بحث، که مطابق آئین نامه داخلی مدت آن یک ساعت است، اما در جلسه دیروز، با استفاده از اختیارات رئیس مجلس، به دو ساعت افزایش یافت.

به این ترتیب روشن شد که مانع اصلی حل این مسئله اساسی که بوده است؟ اینک که سرانجام دو وزیر از سه وزیر تعیین شده، ما میداریم که اولاً وزیر امور خارجه نیز هر چه زودتر تعیین شود.

بر اساس اطلاعاتی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران: در جبهه های جنگ چندین عراقی به هلاکت رسیدند

و بیش از ۲۵ نفر از نیروهای دشمن کشته و عده ای مجروح شدند. در بخش اشغالی خونین شهر، دو سنگر دشمن منهدم و نفرات آن به هلاکت رسیدند.

نقاط مسکونی دزفول باعث تخریب یک مدرسه همد که خوشبختانه تلفات جانی بهرراه نداشت.



**در خاک
وطنمان
برای
متجاوزین
جا
داریم!!**

**کارگران اخراجی انبارهای گمرک جلفا را
به سر کار برگردانید!**

در انبارهای عمومی و گمرک جلفا، عده‌ای کارگران بزرگوارند که بی‌نصیب از مزایای قانون کار، به کار اشتغال دارند. کار این کارگران بدین ترتیب است که محموله در انبارها به انتظار می‌ایستند تا ماشینی از راه برسد، آنگاه چند نفر از آنان برای بارگیری همراه آن می‌روند. چندی پیش حدود چهل نفر از باربران شاغل در گمرک سهران، ضمن اعتراض بوضع موجود خود، از کارفرما خواستند که برای بهبود وضع آنها اقدام کند. کارفرما در مقابل اعتراض کارگران، به جای رسیدگی به وضع آنها، همه را از کار اخراج کرد و خطاب به آنها گفت: "هر غلطی دلتان می‌خواهد بکنید!" ناگفته نماند که کارفرمایان مربوطه عبارتند از: شرکت حمل و نقل آذران و شرکت حمل و نقل فردوسی. کارگران اخراجی، ضمن درخواست کردن این برخورد طاغوت مآبانه، از مسئولان امر انتظار کمک و مساعدت دارند. آنها فقط یک چیز می‌خواهند: کار و کوتاه کردن دست کارفرمایان طاغوتی.

**کارگران کارگاه «بی‌تا»
چشم امید به انقلاب دوخته‌اند!**

کارگاه محصولات غذایی «بی‌تا» در خیابان مازندران (تهران) قرار دارد. در این کارگاه تعداد ۹ نفر کارگر کار می‌کنند، که سن بیشتر آنها کمتر از بیست و دو سال است. ساعات کار روزانه کارگران ده ساعت است. بایکی از کارگران، که سرپرستی کارگاه را به عهده دارد، به گفتگو نشستیم. او به که خلیل رضوی نام دارد، گفت: "هفت سال سابقه کار دارم و روزی هزار و صد ریال مزد می‌گیرم. طولانی بودن کار برایم خسته‌کننده است، ولی چاره‌ای نیست." او در مورد وضع تولید، از زمان شروع جنگ تحمیلی تاکنون، گفت: "بعلت کمبود شکر، اجباراً از رس قند استفاده می‌کنیم که از نظر بهداشتی در سطح بسیار پائین قرار دارد. با این وجود کیلوئی ۱۳۰ ریال هم گیر نمی‌آید. بعلت گزافی مواد اولیه از مادمای به نام "چی‌چی‌تی" برای سفید کردن و همچنین جهت پف کردن کیک استفاده می‌شود. با استفاده از این ماده، مصرف روغن غیر ضروری شده است و کیک‌پزی‌ها نسبت به سابق درآمد بیشتری دارند ولی در مزد کارگران تغییر حاصل نشده است." کارگر دیگری بنام روح‌القرآنی که با چهار سال سابقه کار، روزانه هشتصد ریال مزد دریافت می‌کند، گفت: "با این مزد ناچیز، قدرت اداره کردن خانواده‌ام را ندارم و اجباراً آنها در روستا زندگی می‌کنند. اگر زندگی خود هستند."

کارگران چای‌سازی خواستار محیط مناسب کار هستند

★ پس از پایان کار، کارگران بعلت نشستن غبار ناشی از چسای بر سر و صورتشان یکدیگر را تشخیص نمی‌دهند.

روزی هشت ساعت کار می‌کنیم. وضع بهداشت اینجا خیلی خراب است. خودتان که می‌بینید، هیچ چیز ندارد حتی یک توالت، که از نظر بهداشتی ضروری است. به جز افرادی که موقتی هستند، بقیه بیمه‌ایم و از مزایا استفاده می‌کنیم. کارگر دیگری به اسم ابوطالب اسلامی می‌گوید: "من یکسال است به این کار اشتغال دارم. قبلاً آهنگر بودم. من هفتگی مزد می‌گیرم. سندیکی اینجا آنقدر قدرت ندارد که به تمام مسائل رسیدگی بکند. وضع بهداشت اینجا هیچ خوب نیست. سپس به کارگاه "چای خوبان" رفتیم. محیط کار فرقی نمی‌کند. در این قسمت هم چند جوان سرگرم کار بودند. با کسی که مارک چای را می‌چسباند، صحبت کردیم. اسمش رحیم است. می‌گوید: "۱۶ سال است در این کارگاه، یا بهتر بگویم، در این انبار کار می‌کنم. ماهی ۳۵۰۰ تومان دستمزد می‌گیرم. چون دائمی هستم، از مزایا و بیمه هم استفاده می‌کنم. سندیکی ما، تا آنجا که می‌تواند، به خواستها و مشکلات ما رسیدگی می‌کند. البته قدرت سندیکی محدود است. سندیکی ماهی دوبار تشکیل جلسه می‌دهد. یکی از خواستهای ما رسیدگی به وضع بهداشت اینجاست. در حال حاضر صاحبان کارگاه‌ها در خارج شهر انبارهایی دارند که ۱۰۰۰ متر زیرینا دارد و اگر بخواهند، می‌توانند چیزهایی که اینجا را بصورت انباری در آورده، به آنجا منتقل بکنند. من ۱۶ سال است اینجا کار می‌کنم، ولی تا به حال ندیده‌ام کسی بخواهد به وضع اینجا رسیدگی کرده و محیط کار را بهتر کند." با کارگر جوانی بنام فرخ رحمتی صحبت کردیم، می‌گوید: "۲ سال است اینجا کار می‌کنم و ماهی ۲۵۰۰ تومان می‌گیرم. از سندیکی راضی هستم، برای اینکه افراد خوبی در آن عضو هستند و به کار ما رسیدگی می‌کنند. من بیمه نیستم، چون کارفرما اسم مرا وارد لیست کارگران نمی‌کند. به من در اینجا بعنوان کارگر موقتی کار می‌کنند."

در امر خودکفائی «کارخانه لیفت تراک‌سازی سهند» بکوشید!

عدم تمایل کارکنان کارخانه، مجال این کار را به مدیرعامل نداد. مسئولان امر برای جلوگیری از رکود کارخانه، اقدام به خرید یک سری وسایل از کارخانه بالکان کار بلغارستان کردند. بدین مناسبت هیئتی از کارشناسان ایرانی برای آشنایی با کار این کارخانه، که تولیدکننده عمده و همچنین صادرکننده لیفت تراک به کشورهای سوسیالیستی است، عازم بلغارستان شدند. سپس هیئتی از بلغارستان به ایران آمد و با عقد قراردادهایی مقرر شد که دوطرف در آینده همکاری‌های لازم را با یکدیگر به عمل آورند. در حال حاضر کار تولیدی کارخانه نامعین است و هنوز عقد قرارداد نهایی با بلغارستان پایان نیافته است.

کارخانه حوله بافی برق لامع، با صد هشتاد نفر کارگر، در خیابان ۱۷ شهریور تبریز قرار دارد. صاحب این کارخانه - حاجی جواد برق لامع - از سرمایه‌داران بزرگ آذربایجان بود، که پس از پیروزی انقلاب، به خارج از کشور گریخت و سپس کارخانه‌ها و زمین‌های او مصادره شد. هم‌اکنون نییمی از سهام کارخانه در اختیار سازمان صنایع ملی و نییمی دیگر در اختیار بنیاد مستضعفان قرار دارد. مدتی است که عده‌ای از لیبرال‌ها به انحاء مختلف، سعی دارند زمینه را

«کارخانه حوله بافی برق لامع» باید همه چنان ملی باقی بماند!

برای بازپس دادن کارخانه به صاحب قبلی‌اش فراهم آورند. این افراد که هر یک دارای مسئولیتی در کارخانه هستند، درست در زمانی دست به این اقدامات زده‌اند که "خلق مسلمانی" ها به شدت در کارخانه به

فعالیت‌های ضدانقلابی خود مشغولند و پیوسته می‌کوشند که کارخانه را به تعطیل بکشانند. ناگفته نماند که سپاه پاسداران تبریز با بازپس دادن کارخانه شادیدا "مخالف است. گفتنی است که پس از ملی شدن کارخانه، وضع حقوق و سایر مزایای کارگران به مراتب بهتر شده و سطح تولید هم به هیچوجه پائین نیامده است. کارگران از مسئولین امر می‌خواهند که کارخانه همچنان ملی باقی بماند و نیز با ضدانقلابیون بطور جدی مقابله شود.

وظیفه خطیر انقلابی هیئت‌های هفت نفری

آفتاب نشینان «خسرو جرد» سبزوار در انتظار اجرای بند «ج»

روزشماری میکنند

هستم که حدود ۳۰ هکتار زمین دارم که بصورت دیم می‌کارم. در این روستا حدود ۱۰۰ خانوار آفتاب نشین زندگی می‌کنند که همگی به زمین محتاجند و در انتظارند. دو نفر از مالکان بزرگ این روستا در دهات دیگر نیز دارای زمین و باغ و موتورهای آب هستند، ولی حدود ۱۰۰ خانوار آفتاب نشین روستا بدون قطعه‌ای زمین در انتظار اجرای بند «ج» قانون واگذاری زمین مانده‌اند.

اکثریت اهالی این روستا بخصوص آفتاب نشین ها، قاطعانه از طرح قانون واگذاری زمین به طور کامل و بی‌بند «ج» آن پشتیبانی خود را اعلام کرده‌اند و خواستار دست بکار شدن هیئت هفت نفری در این روستا هستند.

جمهوری اسلامی ایران، بنا به گفته رهبر انقلاب اما خمینی متعلق به کوخ نشینان است و بالطبع تمام نهاد های انقلابی،

روستای خسرو جرد با جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ خانوار، در بخش مرکزی سبزوار، ویرسرجاده سبزوار به شاهرود واقع است. شغل اصلی اهالی روستا کشاورزی و محصولات عمده آن گندم و جو و زیره و انار است. زمین هست، ولی نیروی کار فاقد زمین است و هنوز هم قانون اجرا نشده است. در ده، پس از انقلاب، با کمک جهاد سازندگی سبزوار، سیم کشی برق انجام گرفته و مشکل برق برای خسرو جردی ها حل شده است. آب زراعتی روستا توسط ۷ قنات تا مین می‌گردد. اگر هیئت های هفت نفری سریعاً تمام بندهای قانون، از جمله بند «ج» را عطفی کنند، ده آباد، زمین ها بارور و دهقانان راضی خواهند شد. بایکی از اهالی روستا، که دهقانی است کم زمین، صحبت می‌کنیم. نامش تقی است او میگوید:

"من یک روستائی کم زمین

یکی از دهاتی که هیئت هفت نفری در سمتان باید فوراً به آن توجه کند، روستای «درجزین» در ۱۲ کیلومتری شمال سمتان است. اهالی این روستا کشاورزان زحمتکشی هستند که سالیان سال در زیر آفتاب سوزان به کشت و کار مشغولند. اکثر اراضی درجزین را باغ های میوه تشکیل می‌دهد. بخشی از زمین ها نیز به صیفی کاری اختصاص یافته اند. نکته مهم آنکه در این روستا هنوز هیئت واگذاری زمین کار اجرا قانون اصلاحات ارضی را آغاز نکرده است و اغلب گشتکاران و باغداران، زمین و باغ را از بزرگ مالکان غاصب اجاره می‌کنند. اجاره بهایی که این زحمتکشان میپردازند، گاه به صورت نقدی و زمانی بشکل جنسی است. شیوه پرداخت اجاره

روستائیان مدافع انقلاب «درجزین» هنوز تحت روابط ظالمانه ارباب رعیتی بسر می‌برند

بها نیز هنوز غیر عادلانه و بر اساس ۵۰ سال (زمین، آب، بذر، گا و انسان) است. در نتیجه بزرگ مالک بدون کمترین زحمتی ۲ سهم (زمین و آب) را تصاحب می‌کند.

دهقانان زحمتکش درجزین دیگر نمی‌خواهند حاصل زحمت آنان بناحق نصیب بزرگ مالکان گردد و ادامه این وضع را شایسته انقلاب نمی‌دانند. یکی از دهقانان در این باره می‌گوید:

"ما چندین سال و در بعضی جاها پدر و پسر روی زمین کار می‌کنیم و تازه موقع خرمن باید محصول را با مالک زمین تقسیم کنیم."

وظیفه حساس و فوری هیئت ۷ نفری است که بساط ارباب رعیتی را از ده برچیند و مسئولیت مقامات ذیصلاح است که بند «ج» را از بندی که بدان

دهستان ابوالعباس در انتظار اجرای کامل قانون و کلیه بندهای آن است

دهستان ابوالعباس، یکی از دهستان های بزرگ بخش جانکی در ۴۵ کیلومتری شهرستان ایذه است. این دهستان بیش از یک هزار خانوار را در بر می‌گیرد. جمعیت آن بالغ بر ۶۰۰۰ نفر است. کار اصلی مردم این دهستان کشاورزی، باغداری و دامپروری است، ولی تا مسئله زمین در این روستای بزرگ حل نشود، کار کشاورزی شکوفا نخواهد شد. به همین جهت حضور و عمل هیئت ۷ نفری خواست دهقانان است.

مسئله ارضی

در این دهستان اکثریت دهقانان، زمین بصورت نسق، به اندازه ای که مخارجشان را تامین کند، دارند، ولی مالکیت زمین مال ارباب است. چهار الی ۵ نفر نیز هر یک دارای بیش از ۱۵ هکتار زمین هستند. این چند نفر خود قادر به کشت زمینها نیستند و از دهقانان بی زمین بصورت کارگروزمزد

از نقاط مختلف کشور ما، در چهار گوشه ایران انقلابی، از دهها هزار روستا، صدای حمایت از قانون واگذاری زمین، مصوبه شورای انقلاب، و از هیئت های ۷ نفری مأمور اجرای آن و درخواست اجرای تمام و کمال آن را از جمله بند «ج» آن - که بندی شده است بردست و پای پیشرفت انقلاب بر می‌خیزد.

مطالب این صفحه نامه "مردم" بازتابی است از فعالیت های هیئت ها و ضرورت ادامه کامل آن و از مشکلاتی که تا قانون اجرا نشود، حل نخواهد شد.

قطعه نامه روستائیان هرمزگان

اسلامی و استقرار حاکمیت الله چه زودتر فراهم گردد.

ما نمایندگان روستائیان مستضعف استان هرمزگان از محضر امام امت ملتسانه استدعا داریم، چنانچه مصلحت بدانند با صدور اجازهای جهت به اجرادرا آمدن بند "ج" لایحه قانون واگذاری زمین جان تازه ای به کالبد خسته، ولی مومن کشاورزان ایران بدمند. حقا که مسیحا نفس توای امام مارا باید، که انفسا خوش آن در روح خسته و دردمندما رضوان بدمد.

از کلیه سازمان های دولتی و ارگان های انقلابی نظیر جهاد سازندگی، دادگاه انقلاب، سپاه پاسداران و ژاندارمری تقاضا داریم که هیئت واگذاری زمین را برای اجرای صحیح قانون در روستاهای میاری نمود مواکانات خود را در این راه بسپارند، تا هر چه زودتر این اصل مترقی اسلام در جامعه ما تحقق یابد. تا از سیاهی و ظلمت برهیم. به امید روی کار آمدن حکومت عدل اسلامی.

نمایندگان روستاهای استان هرمزگان در بند رعایا س گرد آمدند و سمینار سمروزهای با شرکت اعضای هیئت های هفت نفری واگذاری زمین تشکیل دادند. مهمترین و اساسی ترین سخن این زحمتکشان روستاها عبارت بود از: "بند ج" قانون رابه اجرادر آورد."

سمینار دهقانان یک قطعه نامه ۱۵ ماده ای را تصویب کرد که در ماده آن حمایت از رهبری امام خمینی و درخواست پرهیز از جدائی و تفرقه، و سهماده دیگر مربوط به مسئله زمین و بند "ج" است. عین این ۱۵ ماده سمینار روستائیان هرمزگان را در اینجا نقل میکنیم:

ما ضمن پشتیبانی از روحانیت مبارز متعدد و پیرو خط امام، از آنها تقاضا داریم که در جهت حمایت از کشاورزان مستضعف و اجرای قانون واگذاری زمین، که مورد تأکید آیات و مراجع عظام منتظری و مشکینی و دکتر بهشتی میباشد، هر چه در توان دارند بکار برند، تا برقراری کامل عدالت



بزرگ مالک: ببینم، مرگ موش سمی تره یا سیانور؟
سرمایه دار وابسته: اگر وضع این طوری پیش بره، برای ما جمهوری اسلامی خطرناکترین سمه!

دهستان ابوالعباس در انتظار اجرای کامل قانون و کلیه بندهای آن است

افراد هیئت های واگذاری زمین، در مجموع خود، افرادی صادق، انقلابی و مدافع مستضعفین هستند. این اعتقادی درست است که پایه و بنیاد آن را مجموعه اقدامات مفید و شمر بخش هیئت ها تشکیل می‌دهد. هیئت واگذاری زمین در این دهستان نیز باید با قاطعیت عمل کند و کار اجرای قانون اصلاحات ارضی را آغاز کند. همچنین شایسته است که در خصوص باغ های "متعلق" به بزرگ مالکان، که کاری جز ایجاد اغتشاش و توطئه و تحریک ندارند، اقدام انقلابی صورت گیرد و تکلیف آنها به سود زحمتکشان روستا هر چه سریعتر مشخص شود. بزرگ مالکی در این منطقه حساس منشاء اقدامات آشوبگرانه و کانون ایجاد تشنج است. صلاح انقلاب نه فقط از نظر اقتصادی و اجتماعی، بلکه از نظر سیاسی نیز آنست که هر چه زودتر و قاطعتر ریشه بزرگ مالکی و خانخانی را از خوزستان برکنند. هیئت هفت نفری مسئولیت خطیری در این مناطق دارد.

این مالک از جمله ۵ زمیندار بزرگی است که در دهستان همیشه اغتشاش ایجاد می‌کند و چندین بار مورد خشم دهقانان قرار گرفته است، لیکن چون از حمایت دو شخص ذینفوذ برخوردار است، تاکنون در خصوص صادره باغ ها و زمین های او هیچگونه اقدامی به عمل نیامده است. دست هیئت واگذاری زمین نیز متأسفانه باز نیست و هنوز برای قطع ایادی غارتگر این دوتن به دهستان مراجعه نکرده است. دهقانان در این مورد سخت دلگیرند و از مسئولین خواهان رسیدگی هستند.

محصولات باغ های دهستان عبارتند از: انار (که در سطح خوزستان صادر می‌شود)، زردآلو، آلو، سیب - درختی، انجیر، انگور و هلو.

دهقانان در انتظار هیئت واگذاری زمین هستند

دهقانان زحمتکش معتقدند که

دهستان به علت موقعیت مناسب جغرافیایی و آب فراوان رودخانه، باغداری رونق دارد. باغداران را خود دهقانان دهستان تشکیل می‌دهند. در حدود ۲۰ خانوار از صاحبان باغ های کوچک نیز کارگران شرکت نفت و کارمندان سایر موسسات در آبادان و آغا جاری و مسجد سلیمان هستند. این عده از اهالی همین دهستان هستند، که به خاطر موقعیت شغلی، تنهادر تابستان جهت استفاده از آب و هوا و برداشت میوهها به ده می‌آیند. اینها خرده مالک هستند و البته قانون متوجه آنها نیست و دهقانان زحمتکش نیز می‌دانند که خان ها و بزرگ مالکان دشمن آنها هستند و با خرده مالکان خصومت و دعوائی ندارند. در دهستان تنها یک نفر مالک بزرگ باغدار به حساب می‌آید که در حدود ۳ باغ بزرگ دارد. مالک برای برداشت میوهها از دهقانان و زنان آنها استفاده می‌کند و در عوض کارشان به آنها مقداری میوه می‌دهد.

(بجای پول قسمتی از محصول را در خرمن برمی‌دارند)، جهت کاشت و برداشت محصول استفاده می‌کنند.

خان ها قبلاً از دهقانان بهره مالکانه می‌گرفتند. بعد از پیروزی انقلاب روستائیان زحمتکش از برداشت بهره مالکانه سرباز زدند و ایسن باج را نپرداختند. در همین زمینه دهقانان روستای چیدن ابوالعباس، که با مقاومت جانکی سلطان محمد، روبرو شده بودند کار رابه مقاومت مسلحانه کشاندند و توانستند بر فئودال ها غلبه کنند و پوزه آنان را، به حکم انقلاب شکوهمندمان، بر خاک مالند و محصولات خود را به راحتی جمع آوری کنند. محصولات کشاورزی این دهستان گندم، جو و برنج هستند.

باغداری

چگونگی مالکیت بر باغ ها مسئله دیگری در دهستان است. در این

دهستان ابوالعباس، یکی از دهستان های بزرگ بخش جانکی در ۴۵ کیلومتری شهرستان ایذه است. این دهستان بیش از یک هزار خانوار را در بر می‌گیرد. جمعیت آن بالغ بر ۶۰۰۰ نفر است. کار اصلی مردم این دهستان کشاورزی، باغداری و دامپروری است، ولی تا مسئله زمین در این روستای بزرگ حل نشود، کار کشاورزی شکوفا نخواهد شد. به همین جهت حضور و عمل هیئت ۷ نفری خواست دهقانان است.

مسئله ارضی

در این دهستان اکثریت دهقانان، زمین بصورت نسق، به اندازه ای که مخارجشان را تامین کند، دارند، ولی مالکیت زمین مال ارباب است. چهار الی ۵ نفر نیز هر یک دارای بیش از ۱۵ هکتار زمین هستند. این چند نفر خود قادر به کشت زمینها نیستند و از دهقانان بی زمین بصورت کارگروزمزد

امام خمینی: حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند، به محرومین باز پس داده می‌شود.

چاه ویل مسابقه تسلیحاتی

چندی پیش، ج. ماک گاورن - سناتور آمریکا طی مقاله‌ای وجه تشابهی را به میان آورد که بقدر کافی آموزنده است. سناتور آمریکائی نوشت که، در یکی از قبائل سرخپوست، که زمانی در کرانه‌های اقیانوس آرام می‌زیستند، رسمی جاری بود، زیر عنوان "مسابقه سخاوت". این رسم در آغاز چنین بود که، داوطلبان اجزاز مقام ریاست قبیله، با یکدیگر "مسابقه سخاوت" ترتیب میدادند. هر کدام می‌توانست به افراد قبیله هدایای بیشتری بدهد، برنده مسابقه و رئیس قبیله میشد. این رسم طی زمان بصورت مسابقه در "اسراف" تغییر ماهیت داد. هدایا به آتش ریخته میشد و هر کس بیشتر مال و اموال طعمه آتش میکرد، برنده بود. مسابقه تسلیحاتی، به نوشته ج. ماک گاورن، از لحاظ پیامدهای اقتصادی، شباهت زیادی به این رسم دارد.

در واقع نیز، هزینه‌های نظامی در جهان، در سال ۱۹۸۰، بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار بود. بر این رقم، در سال ۱۹۸۱، مبلغی در حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار افزوده خواهد شد، و در نتیجه، هزینه‌های نظامی در جهان به مبلغ ۶۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. اما در جهان سالانه ۳۰ تا ۴۰ میلیون انسان از گرسنگی - آری از گرسنگی - می‌میرند. در جهان ۸۰۰ میلیون انسان بنگلی بیسوادند و در جهان قریب یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون انسان از ابتدائی‌ترین خدمات بهداشتی محرومند. در حالی که، بنا به محاسبات کارشناسان سازمان ملل متحد، برای پایان دادن به گرسنگی، لغو بیسوادی و غلبه بر بسیاری از بیماریها، کافی است که ۸ تا ۱۰ درصد هزینه‌های نظامی، مصرف شود. بنظر میرسد که تنها بیان این واقعات کافی است برای رسیدن به این نتیجه معقول که، پس باید هزینه‌های نظامی تقلیل داده شوند و مقداری از این مبالغ هنگفتی که به چاه ویل مسابقات تسلیحاتی فرو ریخته میشود، صرف امور اجتماعی گردد.

ولی در جهان سرمایه‌داری محافل دینفوذ و قدرتمندی هستند که با این نتیجه‌گیری مخالفند. بسیاری از سوداگران، سیاستمداران، اقتصاددانان و گردانندگان دستگاه تبلیغاتی، مدعیند که چنین کاری شدنی نیست، از آن باید احتراز کرد، وگرنه مرغ "سرمایه" دیگر "تخم طلائی" نخواهد داد. اینسان مدعیند که گسترش تدارکات نظامی باعث رشد اقتصادی و افزایش اشتغال است و در آخرین تحلیل موجب رفاه میگردد. البته اینکه مسابقه تسلیحاتی برای پادشاهان "توپ" منبع سودهای کلان است، هیچکس شکوتدید ندارد. و اما اینکه مسابقه تسلیحاتی چهپایه مد هائی برای دیگر اقشار جامعه دارد، بررسی است که برای یافتن پاسخ آن بجاست به نمونه آمریکا بنگریم که از لحاظ هزینه‌های نظامی مقام اول را در جهان داراست.

چشم‌پندلی نیست

طرفداران مسابقه تسلیحاتی مدعیند که افزایش هزینه‌های نظامی باعث توسعه تولید جنگ افزار و دیگر وسائل نظامی است و بنا بر این باعث ایجاد کار برای کارگران و توسعه اشتغال است. و اگر مسابقه تسلیحاتی محدود شود، موسسات تولیدات نظامی تعطیل خواهند شد و این باعث اخراج کارگران و

توسعه بیکاری خواهد گردید. یک چنین استدلالی، در نظر اول، بی‌منطق جلوه نمیکند. بویژه وقتی در اثبات این دعوی مثال‌هایی نیز ذکر میشود. از جمله مثلا میگویند که آلمان هیتلری با نظمی کردن اقتصاد بیکاری را در آلمان از بین برد. و نیز میگویند که در ایالات متحده آمریکا، در جریان جنگ دوم جهانی، با افزایش هزینه‌های نظامی، رشد صنعتی و رفح بیکاری حاصل آمد.

بدیهی است که برای تولید جنگ افزارها، نیروی کار ضرور است. ولی این امر بدیهی ابدأ به معنای آن نیست که نظامی کردن اقتصاد، علاج بیکاری است. بحران بزرگ اقتصادی سال‌های ۳۰ بوسیله گسترش تولیدات نظامی رفع نشد. اگر آن ۸۰ میلیارد دلاری که دولت آمریکا سالانه در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ صرف امور نظامی کرد، به مصرف امور اجتماعی - خانه سازی، تولید وسائط نقلیه، بهره‌گیری از ثروت‌های طبیعی و غیره می‌رسید، حاصل آن از لحاظ رفح بیکاری به مراتب بیشتر میبود.

در سال‌های ۶۰ و ۷۰ لئونتیف، اقتصاددان مشهور آمریکا و برنده جایزه نوبل چنین محاسبه‌ای را ارائه داد: اگر هزینه‌های نظامی بتاگون به میزان ۸ میلیارد دلار کاهش یابد، ۲۵۴ هزار کارگر، کار خود را از دست خواهند داد. ولی اگر همین مبلغ در بخش اجتماعی مصرف شود، ۵۴۲ هزار کارگر به کار جلب خواهند شد، یعنی در نتیجه این تغییر محل مصرف مبلغ ۸ میلیارد دلار، ۲۸۸ هزار نفر از بیکاران در ایالات متحده کاسته خواهند شد.

در سال ۱۹۷۵ در شیکاگو یک کنفرانس ملی برای کاهش هزینه‌های نظامی برگزار شد که در آن "بودجه صلح" مورد بررسی قرار گرفت. طراحان "بودجه صلح" پیشنهاد کردند که از نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا یک میلیون نفر کاسته شود و هزینه‌های نظامی به مبلغ ۵۸ میلیارد دلار تقلیل یابد. در طرح "بودجه صلح" کاهش هزینه‌های سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا (سیا) و پلیس فدرال (اف. بی. آی) در نظر گرفته شده بود. مجموعا پیشنهاد شد که هزینه‌های امر اجتماعی و صلح به مبلغ ۱۲۵ میلیارد دلار افزایش یابد. اگر این "بودجه صلح" از سوی زمامداران ایالات متحده آمریکا پذیرفته میشد، بنا به محاسبه طراحان آن، اشتغال برای ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر افزایش می یافت. در این طرح ضمنا، بر مبنای محاسبه، تاکید شده بود که اجرای "بودجه صلح" کمترین زیانی به امنیت کشور و قدرت دفاعی وارد نمی آورد.

یکی از آخرین بررسی‌ها که در این زمینه بعمل آمد، از سوی سناتور آمریکائی ادوارد گندلی است. وی در این بررسی به این نتیجه رسید که اگر بودجه پنتاگون در سال ۱۹۸۰ به مصرف امر اجتماعی می‌رسید، از اردوی بیکاران در ایالات متحده آمریکا، یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر کاسته میشد. ارقام بررسی‌هایی که از سوی آمریکا تیان در این زمینه بعمل آمده، گوناگونند. این تفاوت در ارقام طبیعی است، زیرا در زمان‌های مختلف، وضع

اقتصادی آمریکا، "وزن" دلار و نیز شیوه تحقیق دانشمندان متفاوت بوده - اند. ولی همه بررسی‌های جدی به یک نتیجه رسیدند و آن اینکه: کاهش هزینه‌های نظامی و افزایش هزینه‌های امور اجتماعی، موجب افزایش اشتغال است. و این ناشی از خصوصیت صنایع نظامی است که تفاوت آن با دیگر رشته‌های صنعتی در این است که، سرمایه‌گذاری - های کلان تری و نیروی کار کمتری می - طلبد.

دعوی طرفداران افزایش هزینه‌های نظامی رانه فقط تئوری، بلکه عمل نیز رد میکند. بنا به ارقام رسمی، در این دوران افزایش قیمت - ها ناچیز - بطور متوسط ۱/۱ درصد شد. در عوض جنگ ویتنام و گسترش مرحله به مرحله آن باز باعث شتاب تورم شد، تورم را از ۲ درصد به ۶ درصد به پیش راند، میزان تورم سه برابر شد.

اما پایان جنگ تجاویزی پرویتنام برخلاف پایان جنگ دوم جهانی و پایان تجاویز برکزه، باعث کاهش میزان تورم نشد. آیا این حالتی استثنائی در قاعده کلی بود؟ نه، ابدأ برعکس، این حالت تأیید قاعده بود. پس از جنگ دوم جهانی و سیزس از جنگ کره، هزینه‌های نظامی کاهش یافتند و در نتیجه تورم مهار شد، اما پس از جنگ ویتنام هزینه‌های نظامی کاهش داده نشدند که سهل است افزایش نیز داده شدند و در نتیجه سیر صعودی تورم ادامه یافت. هیل برنسر - اقتصاد دان مشهور آمریکائی میگوید:

"اگرما (آمریکائی‌ها) در واقع بخواهیم به تورم پایان دهیم، می - بایست "شیر" عظیم هزینه‌های دولتی را در امور نظامی ببندیم."

پرگردد مالیات دهند

در استکهلم پیکره جالبی هست: مرد کوچک اندام و نحیفی جسد بزرگ حاکم شهر را برگردانده و زیر آن سه تاشده است. کسی نمیداند که این مرد کوچک اندام کیست، ولی سوئدی‌ها بشوخی میگویند که او مالیات دهنده است! هفته‌ها ما آمریکا ئی "نیوزویک" اظهار نظر کرده است که در آمریکا نیز میبایست چنین پیکره‌ای را بر قرار کرد، منتها برگرداننده مرد نحیف بایست پنتاگون سوار باشد. این نکته‌سنجی بیجان نیست. به نسبتی که بودجه پنتاگون افزایش داده میشود، به همان نسبت بار مالیات بردوش اهالی سنگین تر میگردد. دلیل آن واضح است. بودجه نظامی بخشی از بودجه کل دولت است که در آمریکا بطور عمده از مالیاتی بدست میاید که از اهالی اخذ میگردد. اگر قبل از جنگ دوم جهانی یک ششم دستمزد زحمتکشان بصورت مالیات به صندوق دولت ریخته میشد، اکنون از هر دلار مزد، ۴۰ سنت به خزانه دولت تحویل می گردد. اکنون امریکائی‌ها میان حال، مزد چهارم او نیم خود را در سال بعنوان مالیات به دولت میپردازد. ولی این مالیات کفاف هزینه‌های دولتی را نمی‌دهد. هر ساله دولت ایالات متحده آمریکا دچار کسری بودجه

است و این کسری را بوسیله فروش اوراق قرضه دولتی "جبران" میکند، که بر حجم بدهی دولت بی‌وقفه می - افزاید. (وام دولت در این اواخر ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار افزایش یافته است) دولت آمریکا، بزرگترین بدهکار در سراسر جهان است. اگر در سال ۱۹۷۰ مبلغ بدهی دولت آمریکا ۳۸۱ میلیارد دلار بود، این رقم در سال ۱۹۸۰ به حدود ۹۰۰ میلیارد دلار رسید. در آخرین تحلیل، در این بازی نیز، این مالیات دهندگان هستند که می‌بازند، زیرا این بدهی‌ها و نیز بهره آنها باز به حساب درآمد حاصل از مالیات‌ها پرداخت شدنی است، یعنی این بار بدهی دولتی نیز بر دوش اهالی و نه فقط نسل امروزی، بلکه نسل‌های آینده است.

این وضع که ایالات متحده آمریکا مجبور است از بازارهای جهانی بسنود رقبای خود عقب نشینی کند و قدرت

گوید: "ما بار هزینه‌هایی، مثلا هزینه‌های دفاعی را بردوش داریم، که نمی‌بایستی داشته باشیم." در واقع نیز اقتصاد آمریکا در عرصه نظامیگری از مرزی گذشته است که هنوز دیگر کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری به آن نرسیده‌اند. ولی کشورهای اروپای غربی، که در این عرصه از ایالات متحده آمریکا عقب مانده‌اند، نیز هم اکنون عواقب منفی تدارکات نظامی را احساس می‌کنند. اتفاقی نیست که وقتی کشورهای "نا تو" با مسئله افزایش بودجه‌های نظامی به مبلغ سالانه سه درصد روبرو شدند، بسیاری این اقدام را برای وضع اقتصادی کشورهای خود خطرناک بشمار آوردند.

* * *

چیس تریس - سراق اقتصاد دان مرکز اطلاعاتی واشنگتن در مسائل نظامی، با سنجش تمام جنبه‌های "مثبت و منفی" نظامیگری، به این نتیجه رسیده است:

"آمریکا کشوری است دچار دشواریهای جدی اقتصادی. کشور مشکل بتواند بار امروزی هزینه‌های



برنامه تیوغ آمیز «پنتاگون»

موضوع: ناپودی اتحاد شوروی، پشتیبان اصلی مبارزات آزادیبخش خلق‌های جهان فلسطین، خاورمیانه، آنتیوپی

نظامی راتحمل کند. اگر این هزینه‌ها با زهم افزایش یابند، کشور بسا خطر فاجعه روبرو خواهد شد. بدیگر سخن، حتی کشور ثروتمندی مانند آمریکا نمی‌تواند سالیانه صدها میلیارد دلار را به اینکه دچار عواقب وخیم آن گردد. (اقتباس از مجله "عصر جدید"، چاپ شوروی شماره ۵۱، سال ۱۹۸۰)

رقابت را در فروش کالا دست میدهد، واکنش دردناکی را از سوی آمریکا تیان برانگیخته است. در یکی از شماره‌های مجله "یونایتد استیتز نیوز اند رپورت" (سپتامبر ۱۹۸۰) مصاحبه‌ای با رئیس شرکت "مونوپسپال ایستنس-کوپوریشن" چاپ شده است. نامبرده کمیکی از اقتصاد دانان نامی بشمار می‌رود، در پاسخ به این پرسش که: چرا ایالات متحده آمریکا مواضع خود را در برابر رقیبان از دست میدهد، می -



نمایشگاه عکس در رودسر

از طرف اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران در رودسر، نمایشگاه عکس در این شهر دایر شد. این نمایشگاه با استقبال مردم شهر، بویژه جوانان روبرو شد.



نمایشگاه عکس در بندرانزلی

از طرف اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران در بندرانزلی، نمایشگاه عکس از توطئه‌های امپریالیسم آمریکادر این شهر دایر شد. این نمایشگاه مورد استقبال اهالی بندرانزلی، به خصوص دانش‌موزان این شهر قرار گرفت.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

تا آخرین لحظه باز می گوئیم: مرگ بر آمریکا!

★ سرمایه داران و تجار، برای فلج کردن دولت، دست به کودتای اقتصادی زده اند.

★ با خروج مهندس بازرگان و ۱۱ نماینده دیگر، مجلس از اکثریت افتاد و در مورد طرح سرپرستی سهوزارتخانه رای گیری نشد.

★ سندقلابی، سند مشروعیت مالکیت مالکان بزرگ نیست، سند واقعی دستان پینه بسته مستضعفان است.

★ در سخنرانی امجدیه و دانشگاه، شعار «مرگ بر آمریکا» داده نشد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، در سخنان پیش از دستور نمایندگان خواستار اجرای سریع طرح اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی و تعدیل ثروت شدند. نخستین نطق قبل از دستور این جلسه، احمد عطاری بود، که درخصوص لزوم حفظ وحدت سخن گفت. نطق بعدی قبل از دستور، رهامی، از جمله گفت:

«نمایندگان می توانند در کلیه مسائل مملکت اظهار نظر کنند. نمایندگان می توانند دولت را ساقط کنند، می توانند کفایت سیاسی ریاست جمهور را مورد سوال قرار دهند و اگر نداشت رای به عدم کفایت سیاسی اش بدهند. اینها خودشان بیشترین مسئولیت را در مملکت دارند.»

رهامی سپس، ضمن اشاره به جنگ تحمیلی و صدمات ناشی از آن به جمهوری اسلامی ایران، گفت:

«عواملی دست اندرکارند که توجه عمومی را از خرمشهر، از سوسنگرد که ۴۰ کیلومتر با دشمن فاصله دارد، از آبادان، که فقط ۶ کیلومتر با دشمن فاصله دارد و هر روز امکان آن را دارد که مانند خرمشهر تصرف بشود و جمعیت آنجا قتل عام شوند و دیگر شهرهایمان، به درگیریهای داخلی معطوف کنند. گروه های وابسته، ورشکستگان سیاسی، تجار گردن کلفتی که سالهای سال در این مملکت چاییدند و حال می بینند که با اجرای قانون اساسی منافشان به خطر می افتد، زمینداران بزرگ که سالهای سال بر مال و ناموس مردم حاکم بودند با اجرای طرح تقسیم اراضی اسلامی، منافشان به خطر افتاده، همه و همه دست اندرکارند و متحد شده اند.»

نماینده مردم خدابنده سپس، ضمن اشاره به اینکه باید با قاطعیت با این افراد برخورد شود، گفت:

«ما وقتی می آیم قانون ملی شدن بازرگانی خارجی را مطرح می کنیم، وقتی می آیم قانون اراضی شهری را مطرح می کنیم، و یا هر قانون دیگری که به منافع طبقات حاکم، که سالهای سال در این مملکت حاکم بودند، درگیریها شروع می شود...»

وی آنگاه، ضمن اشاره به اینکه در سخنرانیهای امجدیه و دانشگاه تهران یک بار هم علیه آمریکا شعار داده نشد گفت: «اینهایی که می گویند ما ضد آمریکا می بینیم، ضد استعماریم، در سخنرانی دانشگاه تهران، در سخنرانی امجدیه، حتی یکبار مرگ بر آمریکا نگفتند. ولی ما فراموش نمی کنیم. اگر بمباران اتمی هم بشود، ما فراموش نخواهیم کرد. تا آخرین لحظه باز می گوئیم مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا. آمریکا بنظور نیست که با یک ترفند

سیاسی عقب نشینی کند. از در برای، از پنجره وارد می شود. از پنجره برای، از راه دیگر می آید. من از این می ترسم که این درگیریها ما را به انحراف بکشاند و یک روزی بیدار شویم و ببینیم فرصت از دست رفته و هیچکاری نمی توانیم بکنیم.»

دومین نطق جلسه دیروز، مصطفی تبریزی، نماینده مردم بجنورد، در سخنان خود به سیستم استعماری امپریالیسم اشاره کرد و از جمله گفت:

«استکبار جهانی، بویژه آمریکایی جهانخوار و شرکایش از اروپا تا ژاپن، به غارت دسترنج مردم جهان همچنان ادامه می دهند و با برنامه ریزیهای استعماری و به برای گرسنگی بیش از ۳ جمعیت جهان و به قیمت مرگ صدها هزار کودک، زندگی کثیف خود را ادامه می دهند.»

وی با اشاره به پیروزی انقلاب ایران به رهبری امام خمینی، گفت:

«برخورد هر فرد مسئول و متعهد با انقلاب باید با در نظر گرفتن کلیت انقلاب باشد. درست است که نواقص کوچک و بزرگ و ضعفهای عمده ای در مسئولان و نهادها وجود دارد. درست است که تنگ نظریها و خودمحموریا، آفتی برای جامعه شده است. اما اگر بجای حرکت دفاعی درباره نواقصی رو در روی کلیت انقلاب قرار بگیریم، خیانت تاریخی غیر قابل جبرانی مرتکب شده ایم.»

سند واقعی، دستان پینه بسته مستضعفان است

نماینده بجنورد سپس، ضمن اشاره به حوادث ۱۴ اسفند و محکوم بودن چاقاداری و چاقا کسی در هر شکلی، سخن گفت. او آنگاه به نوشته روزنامه «گاردین» در مورد اینکه «پوزسیون ایران»، «بغیر از دو گروه»، برای تشکیل یک «حکومت دموکراتیک» به توافق رسیده اند، پرداخت و از جمله اظهار داشت:

«من تصور می کنم تمامی این ماجراها، در رابطه با جریاناتی مشابه به جریانات تلخ دوران مشروطیت است. متأسفانه نقشه ها بقدری ماهرانه است که رئیس جمهور هم وسیله قرار میگیرد. متأسفانه تزلزل دولت و ارگانها در اجرای کارهای انقلابی، بی برنامهگی، خودمحموری و منزوی کردن و تصفیه صادق ترین جوانها با برچسبهای ناچسب، تعصب، برنامه های بی برافته های خود به عنوان معیار حق و در نتیجه رشد فرصت طلبان به جای کمک به تداوم انقلاب، به رشد نیروهای اپوزیسیون کمک می کند و خطر جدی برای انقلاب ما بوجود می آورد.»

وی سپس با اشاره به مشکلات اقتصادی مملکت گفت:

«من الان اعلام خطر می کنم. اگر این

نواقص ادامه یابد و حاکمیت ما در طرح و اجرای برنامه های انقلابی تزلزل نشان دهند، حمایت توده های وسیع محروم را از دست خواهد داد.»

ناطق سپس با اشاره به اینکه انقلاب برای بهره مندی هر چه بیشتر از پشتیبانی توده ها، باید در جهت منافع آنان حرکت کند. درباره مسائل فعلی انقلاب گفت:

«اگر دولت در مسائل عمده سرانجام به همان میانه روی هایی بیفتد که دیگران در قبل می گفتند، آیا خواهد توانست مسئولیت خویش را حفظ کند؟ در حال حاضر مسئله مالکیت اراضی شهری، دولتی کردن بازرگانی خارجی و گفتگوهای در تبدیل ثروت در جریان است. اگر قوانین به نفع ثروتمندان باشد، وضعی بوجود می آید که قابل برگشت نخواهد بود. ما برای خلاء قانون وضع نمی کنیم، بلکه برای واقعیت و واقعیت اینست که کسانی که زمینهای کلان دارند، نامشروعیت مالکیتشان مجز است. سندهای قلابی آنها، سند مشروعیت مالکیتشان نیست، سند واقعی دستان پینه بسته مستضعفان است.»

پس از پایان سخنان پیش از دستور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس به سالگرد درگذشت سید جمال الدین اسدآبادی اشاره کرد و در این مورد سخنانی گفت.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و طرح سرپرستی وزارتخانه های بی وزیر مطرح گردید. در اینجا کاظم موسوی بجنوردی خواستار مسکوت ماندن این لایحه شد، که پس از بحث موافق و مخالف، مسکوت ماندن آن از سوی نمایندگان رد شد. سپس اصل طرح برای بحث نمایندگان قرائت شد و چند تن از نمایندگان در موافقت و مخالفت با آن سخن گفتند.

حسین هراتی، از جمله موافقان طرح، ضمن اشاره به «توطئه کودتای اقتصادی برای فلج کردن دولت» که از سوی سرمایه داران و تجار بزرگ عملی می شود، «از لزوم انتخاب هر چه سریعتر وزیر بازرگانی و رسیدگی دقیق این وزارتخانه به وضع سرمایه داران بزرگ و وابسته» دفاع کرد.

وی ضمن اشاره به سخنان مخالفان طرح، که «عواقب خطرناکی» برای تصویب این طرح بر سر مرده بودند، گفت: «عواقب خطرناکی از این بالاتر که ریگان به فکر افتاده، دولت رجائی را ساقط کند. خطر از این بالاتر که آمریکا، همان نقشه ای را که در شیلی پیاده کرد، اکنون میخواهد در ایران پیاده کند؟ یعنی از یکسو پخش فحش نامه ها و از یکسو برپا کردن اعتصابها؟»

پس از پایان سخنان نمایندگان موافق و مخالف با طرح، برای کلیات طرح اعلام رای گیری شد. در این هنگام، به علت

خروج ۱۲ تن از نمایندگان. از جلسه مجلس از اکثریت خارج شد و نتوانست رای گیری را انجام دهد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با اشاره به این وضع، گفت:

«اینها دمکراتهای مجلسند، میخواهند از مجلس بیرون بروند و مجلس از اکثریت بیفتد... اینها با اینکار خود حق همه را ضایع می کنند. اینها که می گویند در مجلس حق ما ضایع می شود، بدانند که از این به بعد مظلوم نمایی در این مملکت خریدار نخواهد داشت.»

وی همچنین توضیح داد که تمامی این افراد، طبق آئین نامه، بعلمت عدم حضور هنگام رای گیری، توییح می شوند.

توکلی، منشی مجلس، اسامی این افراد را به شرح زیرین قرائت کرد: اخویان - تقوی - غصنفریور - مهندس بازرگان - بیانی - منوچهری - شهاب محمودی - سرتنگی - صباغیان - معین فر - سامی - سلامتیان - عالی پور.

در پایان جلسه دیروز، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، راه حل این قضیه را انجام هر چه سریعتر انتخابات میان دوره ای در شهرهای کشور ذکر کرد و از وزارت کشور خواست که در این جهت به سرعت اقدام کند.

جلسه بعدی روز چهارشنبه (امروز) تشکیل می شود.

در حاشیه ...

درباره ۱۲ نماینده

پس از خروج ۱۲ تن از نمایندگان برای از اکثریت انداختن جلسه مجلس، که مورد اعتراض شدید سایر نمایندگان قرار گرفت، عمده ای از نمایندگان خواستار ارسال دوباره پرونده های آنان به کمیسیون تحقیق شدند. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در این باره، ضمن توضیحی، از جمله گفت: «این مسئله به بعد مربوط می شود.»

طرح های آینده برای

اپستروکسیون

خروج ۱۲ تن از نمایندگان، باعث خشم و اعتراض شدید بیشتر نمایندگان شد. از جمله حجت الاسلام ناطق نوری گفت:

«طبق اطلاعی که ما داریم این آقایان این طرح را از قبل داشتند و برای بدهیم از این طرح دارند که ما هر طرح انقلابی بنخواهیم به مجلس می آوریم، آنها استعفا بدهند.»

شعارهای مردم

در موقع خروج ۱۲ نماینده از محوطه مجلس، جمعیتی که در مقابل در خروجی مجلس گرد آمده بودند، شعار میدادند: مرگ بر لیبرال، مرگ بر مائوئیست، مرگ بر آمریکا!

ترجیح می دهیم «احساساتی» بمانم

مصطفی تبریزی، نماینده بجنورد، ضمن سخنانش گفت: «بعضیها مرا احساساتی خوانده اند. اگر دفاع از محرومین و بی زمینها احساساتی بودن است و تاقل بودن دفاع از زمینداران بزرگ من ترجیح می دهیم تا آخر عمر احساساتی بمانم و عاقل نشوم.»

این هفته در «نامه مردم» بزبان کردی میخوانید:

- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:
توطئه هفتم آمریکا در حال اجراست.

- امام خمینی: زبانهای غیر- متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می کنند و می خواهند روحانیت را و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند.

- امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، مجری قرویرسم بین المللی

- در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب، تامین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی ضرورت حیاتی دارد.

- روز ۸ مارس (۱۷ اسفند)، روز همبستگی زنان جهان را به زنان خلق کرد و همه خلقهای برادر ایران، شادباش می گوئیم.

- پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال به مناسبت شصتمین سال تاسیس حزب

آکونست پرتغال (۱۴ اسفند ۱۲۹۹) - پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کار سوسیال بنه مناسبت شصتمین سال تاسیس حزب

کمونیست سوسیال ۱۵ اسفند ۱۲۹۹، (از سال ۱۳۲۲: حزب کار سوسیال)

- اصطلاحات سیاسی اجتماعی - شعر

کمک مالی به

حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است!

۴. ت. ج ۷۰۰۰ ریال

نوروز از شهر کرد ۴۰۰۰ ریال

محمد به حزب پدرش از شهر کرد ۱۰۰۰ ریال

کاوه به حزب پدرش از شهر کرد ۱۰۰۰ ریال

آزاده به حزب پدرش از شهر کرد ۱۰۰۰ ریال

بابک روشن از کیلان دماوند ۲۰۰۰ ریال

رسانا کیزه از کیلان دماوند ۲۰۰۰ ریال

سازمان حزب در شهر کرد ۲۰۰۰۰ ریال

بلال فروش از شهر کرد ۳۰۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

قیمت گاز مایع در گناوه افزایش یافت

به دنبال اقدام فرماندار شهرستان گناوه در مورد بازپس گرفتن پخش گاز مایع از نمایندگیها و سپردن آن به دست واسطه ها، قیمت گاز مایع در این شهرستان از ۲۷۰ ریال به ۳۵۰ ریال رسید. البته باید متذکر شد که هدف از این اقدام، به کار بردن تعدادی از بیکاران بوده. لیکن حاصل کار نشان داد که این تدبیر مناسب نبوده است. ما از مقامات مسئول می خواهیم که در این مورد تجدید نظر کنند و با کنترل قیمت گاز مایع، از افزایش قیمت آن جلوگیری کنند.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

توطئه جدید سرمایه داران فراری وقاچاقچیان ارز در کویت علیه انقلاب ایران

هدف این توطئه جدید، ضربه وارد کردن به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و فلج کردن آن است.

سرمایه داران فراری ایرانی و قاچاقچیان ارز اخیراً در کشورهای خلیج فارس و از جمله کویت، در کنار توطئه های گوناگون خود علیه جمهوری اسلامی ایران، دست به اقدام تخریبی جدیدی برای لطمه زدن به اقتصاد ایران زده اند.

همانطور که خوانندگان نامه «مردم» بخاطر دارند، در شماره ۴۴۹، مورخ ۲ اسفند ۵۹، در مطلبی پیرامون فعالیت ضدانقلابی سرمایه داران ایرانی متغیر کویت، از جمله به این مطلب اشاره شده بود که این سرمایه داران برای هر چه وابسته کردن کارگران ایرانی به خود، پول کارگران را می گیرند و به آنها حواله می دهند که پول خود را مثلا در فلان بانک در ایران دریافت کنند. باید متذکر شد که این کارگران اکثر کشاورزان عرب زبان جنوب هستند، که بعلت سیاستهای ضد مردمی رژیم گذشته ورشکست شدند و برای یافتن کار با گذرنامه و گاهی هم بدون آن، به کشورهای اطراف خلیج فارس و منجمله کویت رفتند. حقوق این کارگران غالباً به پول همان کشورها پرداخت می شود. در این جاست که اقدام سرمایه داران و قاچاقچیان ارز علیه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران آغاز می گردد. آنان که مقادیر هنگفتی پول در داخل و خارج کشور دارند، ارز این کارگران را به قیمت های بالاتر از قیمت رسمی خریداری می کنند. به این ترتیب، از سوختی و پولهای را که از خزانه مملکت به چپاول برده اند، بدون هیچگونه دردسری با ارز کشور مورد نظر خود تعویض می کنند و از سوختی دیگر مانع ورود ارز خارجی به ایران و ورود مقادیر هنگفتی پول ایرانی به داخل کشور می شوند. افراد ضدانقلابی مزبور برای انجام این عمل به روش های زیرین متوسل می شوند:

- ۱- اگر این سرمایه داران فراری هنوز دارای حساب بانکی مسدود نشده در بانکهای ایران باشند، با کشیدن چک، عمل مبادله پول ایرانی با ارز خارجی را انجام می دهند. البته با توجه به اقداماتی که در جهت مسدود کردن حسابهای طاقوتیان فراری انجام گرفته است، این شیوه اکنون کمتر مورد استفاده قرار می گیرد.
- ۲- با دادن حواله به فروشنده ارز، دریافت پول ایرانی را به یکی از خویشاوندان خود در ایران، که نقدینه آنان را نگاهداری می کند، واگذار می کنند.
- ۳- در صورتی که هیچکدام از راههای بالا



گسترش روابط بریتانیا با دارو دسته صدام حسین

وزیر خارجه دارو دسته صدام حسین دیداری سه روزه را از بریتانیا آغاز کرده است. وی، از جمله، با خانم تاجر و لسرد کریگتون، وزیر خارجه بریتانیا، دیدار و گفتگو خواهد داشت.

بگفته ناظران سیاسی، در این دیدارها علاوه بر مذاکرات پشت پرده درباره جنگ تجاوزی صدام علیه ایران، بویژه گسترش روابط میان دو کشور مطرح خواهد شد.

کشتار میهن دوستان در السالوادور ادامه دارد

کلیسای کاتولیک، طی اعلامیه ای که در شهر مکزیکو انتشار داده، به کشتار میهن دوستان در السالوادور اعتراض کرد. در این اعلامیه آمده است که ۵۳۴ تن از اهالی کشور، که اکثر آنها روستایی هستند، در هفته گذشته به قتل رسیده اند. عملیات سرکوب جنبش میهن دوستان این کشور توسط واحدهای نظامی و انتظامی انجام میگیرد، که مستشاران نظامی آمریکائی فرماندهی آنان را بر عهده دارند.

در این اعلامیه گفته میشود که شهرها و روستاهای استان شرقی السالوادور بوسیله واحدهای نیروی هوایی با بمبهای آتشزا و فسفوری که آمریکا در اختیار رژیم السالوادور گذارده، به آتش کشیده شدند و عده کنیری از اهالی این نواحی نابود شدند.

حتی دول امپریالیستی متحد آمریکا از ماجراجویی ریگان نگرانند

هنس دیرتیش گشتر، وزیر خارجه جمهوری فدرال آلمان، روز دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۵۹ وارد واشنگتن شد. وی، از جمله، مذاکراتی بگفته خبرگزاری «رویتر»: «هنس دیرتیش گشتر مصمم است تا نگرانی خود را از سرد شدن مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا» به ریگان ابراز دارد. هلموت اشمیت، صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، در آستانه سفر وزیر خارجه این کشور به آمریکا، در یک گفتگوی رادیویی گفت که استقرار موشک های هسته ای جدید میان برد آمریکا در اروپای غربی قطعی نیست و میتوان با مذاکره با اتحاد شوروی از آن خودداری کرد.

وزیر دفاع آمریکا: ایالات متحده حضور نظامی خود را در خلیج فارس کماکان گسترش خواهد داد

وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در تلویزیون این کشور سخنانی ایراد داشت، که خبرگزاری «تاس» آنرا «نشانه تصمیم دولت آمریکا درباره توجیه مسابقه تسلیحاتی» نامیده است. وزیر دفاع آمریکا گفت که «ایالات متحده آمریکا حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس و در جنوب خاوری آسیا گسترش خواهد داد».

یادآور میشود که تمرکز نیروهای هوایی - دریایی آمریکا در خلیج فارس، هم اکنون به ابعادی بی سابقه رسیده است. وی ضمن اشاره به مسئله استقرار سلاحهای نوترونی در اروپای باختری، اعتراف کرد که این طرح با اعتراض های سخت روبرو شده است.

انقلاب ثور (آوریل) در افغانستان، سر آغاز سرنگونی و انقراض نظام فئودالی در این کشور بود

هیئت نمایندگی «جامعه جوانان سوسیالیست ژاپن»، که در ماه دسامبر سال گذشته (مسیحی) به جمهوری دموکراتیک افغانستان سفر کرده بود، یادداشتها و خاطرات این سفر را بصورت کتابی گردآوری کرده و منتشر ساخته اند. مولفان این کتاب، یامازوداکی، رئیس پیشین کمیته اجرائی «جامعه جوانان سوسیالیست ژاپن» و هوسونی، عضو کمیته مرکزی این سازمان، در مقدمه کتاب خود نوشته اند:

«در تاریخ مردم افغانستان صفحه درخشان جدیدی گشوده شده است. پیروزی انقلاب ماه ثور سر آغاز سرنگونی و انقراض نظام فئودالی در افغانستان بود. این انقلاب توده های زحمتکش را به جنبش انقلابی برای بی ریزی یک زندگی نوین جلب کرد. کارگران و دهقانان و روشنفکران و دانشجویان با عزم راسخ از دستاوردهای انقلاب خود دفاع میکنند. ما در جریان سفر خود از موسسات صنعتی، تعاونیهای کشاورزی، مدارس و دیگر تاسیسات دیدن کردیم و با کارگران، روستائیان و دانشجویان به گفتگو نشستیم. ما در همه جا مشاهده کردیم که مردم افغانستان از دستاوردهای انقلاب دفاع و از دولت ببرک کارمل پشتیبانی میکنند. مردم افغانستان با علاقمندی و شور فراوان در امر تولید و بازسازی هم نشئون زندگی جامعه خود فعالانه شرکت می کنند».

مردم افغانستان توطئه ها و تحریکات عناصر ضد انقلاب را، که به تحریک و یا کمکهای نظامی آمریکا، چین و پاکستان به عملیات تروریستی می پردازند، خنثی و این عناصر را سرکوب میکنند. امپریالیسم آمریکا و سلطه جویان یکی جنگ اعلام نشده ای را علیه مردم افغانستان آغاز کردند، امام وقتیتی به دست نیاروندند. در نمایشگاهی که از جانیات این جنگ ترتیب داده شده، اسناد و مدارک و تصاویری موجود است که مداخلات نظامی خارجی و عملیات تروریستی عناصر ضد انقلاب در این کشور را آشکارا نشان میدهد.

روی یکی از این تصاویر تلخا کستری است که از بنای یک مدرسه بجای مانده. بنای این مدرسه بدست عناصر ضد انقلاب و گروه های تروریستی ویران شده است. گروه های مسلح از خاک پاکستان برای عملیات خرابکاری و آدمکشی به افغانستان فرستاده میشوند. سلاحهایی که از این گروه ها بدست آمده، همه در آمریکا، چین و پاکستان ساخته شده اند.

در افغانستان دموکراتیک، در حالیکه مبارزه با عناصر ضد انقلاب هنوز ادامه دارد، در زمینه اقتصاد و فرهنگ و سواد آموزی فعالیت جوشانی جریان دارد. شهرهای این کشور در امن و امان و رونق در کابل و تمام شهرهای دیگر افغانستان زندگی پر شادمانی و روال عادی خود را طی میکنند».

مولفان این کتاب در پایان خاطرات خود نوشته اند: «ما امیدواریم و آرزو مندیم که تعداد هر چه بیشتری از اهالی ژاپن، با خواندن این کتاب، به واقعیت رویدادهای افغانستان پی ببرند و همچنین امیدواریم که خلقهای جهان از حقیقت اوضاع افغانستان آگاه شوند».

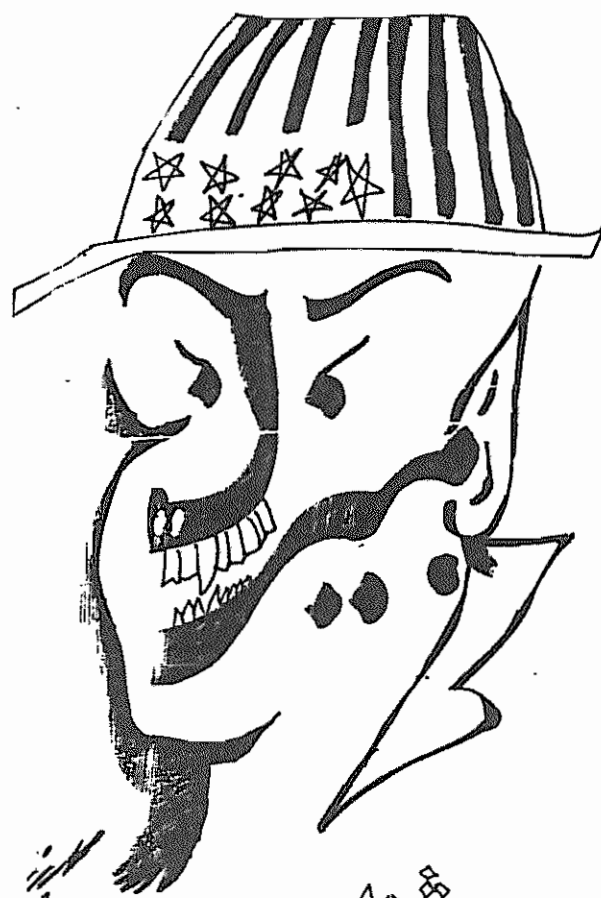
بازداشت شرکت کنندگان جشن «روز جهانی زنان» در شیلی

پلیس شیلی بیش از سی تن را، که در گردهمایی بمناسبت «روز جهانی زنان» (۸ مارس - ۱۷ اسفند)، شرکت داشتند، بازداشت کرد. در روزهای گذشته، دژخیمان ساتییا گو به سر کوبگری های خود افزوده اند.

اعتصاب نیم میلیون کارمند دولت در بریتانیا

روز دوشنبه ۱۸ اسفند، بیش از ۵۰۰ هزار تن از کارمندان دولت، از جمله کارمندان نخست وزیری در بریتانیا دست به اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. آنها خواهان از دیاد حقوق خود هستند. ویلیام کندال، یکی از رهبران اعتصاب، تهدید کرد که چنانچه دولت محافظه کار مارگارت تاجر خواستهای اعتصابگران را نپذیرد، آنها مبارزات خود را ادامه و گسترش خواهند داد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق



ببینا ختنی؟! (A slogan or call to action written below the cartoon.)

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست
NAMEH
MARDOM
No. 465
11 March 1981
Price:
West-Germany
0.80 DM
خوانندگان گرامی نامه
«مردم» و همه مقامات
دولتی و غیر دولتی میتوانند
به آدرس زیر با نامه «مردم»
مکاتبه کنند:
صندوق پستی
۱۳۵۹/۴۱، منطقه
۱۴ پستی تهران